

## رسانه‌ی تاکتیک‌محور متنی از گروه هنر انتقادی (C.A.E)

رسانه‌ی تاکتیک‌محور<sup>1</sup> الگویی یکپارچه نیست، بلکه الگویی انعطاف‌پذیر است که می‌تواند مرتباً از شکلی به شکل دیگر درآید. مجموعه رویکردهایی که از آن‌ها مشق رسانه‌های تاکتیک‌محور زاده می‌شود متغیر است و به مخاطب آن بستگی دارد. در ارتباط با همین موضوع، بافتار فرهنگی نقش بسیار مهمی در معانی تولید شده بازی می‌کند، چنان که الگوی مذکور باید همواره از نو پیکربندی شود تا مطالبات اجتماعی خاصی را برآورده سازد.

از پیچیدگی‌های این موضوع باید به این نکته اشاره کرد که تاکتیک‌مندی<sup>2</sup> هرگز به‌گونه‌ای نظریه‌پردازی نشده تا کاربرانش به یک توافق جمعی برسند. در واقع حتی مؤلفین متن اصلی «الفبای رسانه‌ی تاکتیک‌محور» نیز نتوانسته‌اند به یک اجماع کلی برسند.<sup>3</sup> از طرفی، گیرت لووینک<sup>4</sup> معتقد است که تاکتیک‌مندی اساساً از گفتمان نظامی نشأت گرفته است. قطعاً همین‌طور است که گفتمان بنیادین آن در این حوزه ریشه دارد. درباره‌ی شیوه‌ای که تاکتیک‌های فرهنگی خاص درک و اجرا می‌شوند در کتاب *درباره‌ی جنگ*، به کمک اصولی که کارل وُن کلاوس‌ویتس<sup>5</sup> پیش می‌گذارد، به‌خوبی توضیح داده شده است. او به‌وضوح فهمیده بود که «تاکتیک هنر ضعف‌است» و نیرنگ و تردستی در واقع متحدین اصلی کسانی هستند که به تاکتیک‌مندی توسل می‌جویند.<sup>6</sup> در عصر جنگ نامتقارن، روابط متقابل بین چریکی بودن در جنگ و در رخدادهای فرهنگی بسیار واضح است.

از طرف دیگر، دیوید گارسیا<sup>7</sup> از میشل دو سرتو<sup>8</sup> به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان این حوزه نام می‌برد، زیرا باوجود این‌که ممکن است گفتمان نظامی حاوی اطلاعات مفیدی باشد، اما تجلی تاکتیک‌مندی در فرهنگ بایستی توسط گفتمان فرهنگی بسط و گسترش یابد تا پیچیدگی‌های کنش درون قلمروی اجتماعی به‌خوبی درک شود، پیچیدگی‌هایی که کاملاً با پیچیدگی‌های دنیای جنگ تفاوت دارند. گارسیا درحالی که اهمیت گفتمان نظامی را به رسمیت می‌شناسد، بر این تأکید می‌کند که صورت‌بندی دقیق مربوط به کنش‌های مداخله‌گرانه‌ی فرهنگی در خود گفتمان فرهنگی نهفته است.

علی‌رغم تناقضات و تفاوت‌های نظری و فرهنگی، رسانه‌ی تاکتیک‌محور اصول متعددی دارد که گویا دارای ارزشی عام‌اند (هرچند همیشه استثناء وجود دارد). بهتر است با معنای تاکتیک‌مندی چنان که در کتاب *تمرین زندگی روزمره*<sup>9</sup> نوشته‌ی میشل دو سرتو آمده شروع کنیم:

---

<sup>1</sup> tactical media

<sup>2</sup> tacticality

<sup>3</sup> David Garcia and Geert Lovink, "ABC of Tactical Media," *Tactical Media Networks and Nettime*, Friday, May 16, 1997. Online: <http://project.waag.org/tmn/frabc.html> or [www.nettime.org/Lists-Archives/nettime-l9705/msg00096.html](http://www.nettime.org/Lists-Archives/nettime-l9705/msg00096.html).

<sup>4</sup> Geert Lovink

<sup>5</sup> Carl von Clausewitz

<sup>6</sup> Carl von Clausewitz, *On War*, trans. J.J. Graham, London: Kegan Paul Trench Trubner, 1911: 210

<sup>7</sup> David Garcia

<sup>8</sup> Michel de Certeau

<sup>9</sup> *The Practice of Everyday Life*

تاکتیک کنشی محاسبه‌شده است که توسط غیاب محلی مشخص و مناسب [برای آن] تعیین می‌شود ... فضای یک تاکتیک فضای متعلق به دیگری است. بنابراین تاکتیک باید درون و طبق زمینه‌ای ایفای نقش کند که بر آن تحمیل شده و توسط قانون قدرتی خارجی سازمان یافته است. تاکتیک نباید در انزوا، با فاصله، در موقعیت عقب‌نشینی، به امید آینده و خوددار باشد؛ همان‌طور که وُن بولو<sup>10</sup> می‌گوید تاکتیک مانوری است «درون دیدرس دشمن» و داخل قلمروی او. بنابراین دارای گزینه‌هایی مثل برنامه‌ریزی یک استراتژی بزرگ و عام، و مشاهده‌ی نیروهای دشمن به‌عنوان یک کل درون فضایی مستقیم، مرئی و عینیت‌پذیر نیست. تاکتیک با ضربه‌هایی پیاپی در کنش‌هایی ایزوله رخ می‌دهد، از «فرصت‌ها» سود می‌جوید و بر آن‌ها تکیه دارد، بدون این‌که مقرر برای انباشت افتخارات، توسعه‌ی موضع و برنامه‌ریزی حمله‌هایش داشته باشد.<sup>11</sup>

در این شرایط، رسانه‌ی تاکتیک‌محور ابزارها و روایت‌های فرهنگ‌های مقاومت را در وضع موجود، که معمولاً تمامیت‌خواه است، وارد و دخیل می‌کند.

رسانه‌ی تاکتیک‌محور شکلی از مداخله‌ی فرهنگی است. منظور گروه هنر انتقادی از این گزاره این است که رسانه‌ی تاکتیک‌محور نظام نشانه‌شناسی موجود را از آن خود کرده و آن را به‌گونه‌ای برای بار دیگر پیاده می‌کند که به مشارکت‌کنندگان و مخاطبین نگرشی متفاوت (و حتی رادیکال)، فهم و (در بهترین حالت) تعامل با یک نظام مفروض را ارائه می‌دهد. رسانه‌ی تاکتیک‌محور در یک رخداد به سراغ امر پیشاپیش مفروض<sup>12</sup> و امر گفته‌نشده<sup>13</sup> می‌رود. همان‌طور که استنلی آرونوویتس<sup>14</sup> درباره‌ی متفکر پسامدرن می‌گوید: «ما "مقوله‌ی پیش‌فرض" را و اسازی می‌کنیم تا ترک‌هایی را که بخیه‌ها به هم وصله کرده‌اند نشان دهیم، تا ثابت کنیم آنچه به‌عنوان گفتمان حاکم تفهیم و عادی‌سازی شده صرفاً سازه‌ای است که قدرت و منافع شخصی را پنهان می‌کند.»<sup>15</sup> همین نکات را می‌توان درباره‌ی کنش‌گر رسانه‌ی تاکتیک‌محور نیز ذکر کرد، تفاوت بین آن و این‌که صرفاً به مطالعه و نظریه‌پردازی انتقادی پردازیم این است که کنش‌گران تاکتیک‌محور به دنبال به‌وجود آوردن رخداد‌های مشارکتی‌ای هستند که نقد را از طریق فرآیند تجربی نشان دهد.

کنش‌گر رسانه‌ی تاکتیک‌محور از هر رسانه‌ی لازم استفاده می‌کند تا مطالبات شرایط و قنش را برآورده سازد. با این‌که ممکن است [هرکدام از] کنش‌گران تاکتیک‌محور در رسانه‌ای خاص مهارت داشته باشند، خود را به استفاده‌ی صرف از یک رسانه محدود نمی‌کنند. هر رسانه‌ای که بهترین ابزار برای ارتباط و مشارکت در شرایطی مفروض را فراهم آورد، همان ابزاری است که مورد استفاده قرار خواهد گرفت. نه تخصص و نه مواد [تشکیل‌دهنده] کنشی را از محدود و از پیش تعیین نمی‌کنند. بخشی به این دلیل است که رسانه‌ی تاکتیک‌محور غالباً خود را در اختیار تلاش‌های جمعی می‌گذارد، زیرا همیشه احتیاج به

<sup>10</sup> Claus von Bülow

<sup>11</sup> Michel de Certeau, Luce Giard, and Pierre Mayol, *The Practice of Everyday Life*, trans. Steven Rendall, Berkeley: University of California Press, 1988: 37.

<sup>12</sup> the already given

<sup>13</sup> the unsaid

<sup>14</sup> Stanley Aronowitz

<sup>15</sup> Stanley Aronowitz, "Postmodernism and Politics," *Social Text*, 18, Winter 1987–1988: 107.

افرادی با مهارت‌های متفاوت وجود دارد، مهارت‌هایی که در بهترین حالت از طریق همکاری [کنش‌گران و مخاطبین] توسعه می‌یابند.

در ادامه، کنش‌گران رسانه‌ی تاکتیک‌محور از رویکرد آماتور و غیرحرفه‌ای - چه خودشان و چه دیگران - حمایت و آن را ارزشمند می‌شمارند. غیرحرفه‌ای‌ها قادرند آن‌سوی الگوهای حاکم را ببینند و آزادانه‌تر عناصر الگوهای را با هم از نو ترکیب کنند که پنداشته می‌شد منسوخ شده‌اند، آن‌ها می‌توانند تجربه‌ی زندگی روزمره را در تأملاتشان به کار بندند. مهم‌تر از همه این‌که غیرحرفه‌ای‌ها خود را وقف نظام‌های نهادینه‌شده‌ی تولید دانش و مصلحت‌اندیشی نکرده‌اند. بنابراین آن‌ها فاقد فشارها مقاومت‌ناپذیری هستند که نتیجه‌ی فرآیندشان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، فشارهایی از جمله حفظ جایگاهی در نظام سلسله‌مراتبی پولی یا حفظ اعتبار - سرمایه.

رسانه‌ی تاکتیک‌محور ناپایدار و گذراست و به لحاظ مادی اندک ردپایی به‌جا می‌گذارد. چنان‌که وقتی کنش به پایان می‌رسد، آنچه باقی می‌ماند اساساً خاطره‌ای زنده است. همان‌طور که ربکا اشنايدر<sup>16</sup> - نظریه‌پرداز اجراهای فمینیستی - به درستی به آن اشاره کرده، متأسفانه هیچ‌کس تا به حال نتوانسته مشکل مهم آرشیو را - که اولین بار دریدا به‌طور جداگانه به آن پرداخت<sup>17</sup> - حل کند. رسانه‌ی تاکتیک‌محور به‌ندرت از مشکلات بازنمایی ثانویه خلاص می‌شود، و معدود عناصر مادی برجایمانده - اسناد برانداز و جزئی یک تجربه‌ی زنده‌ی آنی - اغلب ارزش فرآیند تجربی را از آن خود می‌کنند. پس از پایان رخداد، عکس‌ها، نوشته‌ها، ویدئوها، فایل‌های گرافیکی و دیگر عناصر برجای می‌مانند، و برای تدوین و بازسازی در دسترس هستند.

علی‌رغم چنین مشکلاتی، شرایط تماماً فاجعه‌بار نیست. ردپاها و بقایا معضل‌های بسیار پیش‌پاافتاده‌تری نسبت به کالاهای استراتژیکی هستند که به‌دنبال مسلط شدن بر فضایی هستند که در آن قرار گرفته‌اند. آثار بزرگ همان آثاری‌اند که قلمروها را مشخص می‌کنند - به این معنا که از تسلیم شدن به فضا سر باز می‌زنند. در عوض، این آثار دستورات خود را به فضا تحمیل می‌کنند و هرچیزی جز مشاهده‌ی منفعل را ملغی می‌کنند. آن‌ها تفاوت مولد را نفی می‌کنند و موتورهای محرکه‌ی جدایی بیگانه‌شده هستند. اما بر خلاف آثار بزرگ - مهم نیست بنای یادبودی متعلق به شرایطی خاص باشد یا حتی بدتر متعلق به جنبش‌ها، ائتلافات، کمپین‌ها یا برنامه‌هایی که بوروکراتیک شده‌اند - بقایای برجایمانده در ساختار تفسیری خود لایه‌بندی شده‌اند. مهم نیست این بقایا چقدر سریع و عمیق از بین رفته باشند، آن‌ها هنوز امکان‌پذیری کنش رادیکال را دارا هستند. این امکان بقایا را نجات می‌دهد، زیرا می‌تواند تاریخ‌های خردی را یاد ما آورد که به این باور اعتبار می‌بخشد که چیزی متفاوت از خشونت و ویژگی‌های غیرانسانی اقتصاد مبتنی بر چپاول و غارت ممکن است، که قسمی ظرفیت بی‌پایان کنشی مستقیم، مستقل و خودآیین می‌تواند از شدت فرهنگ تمامیت‌خواه بکاهد. با هدف قرار دادن این امکان، رسانه‌ی تاکتیک‌محور خلق‌الساعه و خودویرانگر باقی می‌ماند.

## منابع

<sup>16</sup> Rebecca Schneider

<sup>17</sup> Rebecca Schneider, *The Explicit Body in Performance*, London: Routledge, 1997. See especially "Epilog: Returning from the Dead," pp. 176-184.

Aronowitz, Stanley. "Postmodernism and Politics," *Social Text*, 18, Winter 1987–1988: 99–115.

de Certeau, Michel, Luce Giard, and Pierre Mayol. *The Practice of Everyday Life*. Trans. Steven Rendall. Berkeley: University of California Press, 1988.

Garcia, David and Geert Lovnick. "ABC of Tactical Media." *Tactical Media Networks and Nettime*.

Friday, May 16, 1997. Online: <http://project.waag.org/tmn/frabc.html> or [www.nettime.org/Lists-Archives/nettime-I-9705/msg00096.html](http://www.nettime.org/Lists-Archives/nettime-I-9705/msg00096.html).

Schneider, Rebecca. *The Explicit Body in Performance*. London: Routledge, 1997.

von Clausewitz, Carl. *On War*. Trans. J.J. Graham. London: Kegan Paul Trench Trubner, 1911.